خراسان روزنامه صبح ایران
یکشنبه ۱۴ آذر ۱۳۹۵. ۴ ربیع الاول ۱۴۳۸. شماره ۱۹۴۱۴

فولخنثیو باتیستا
(۱۹۷۳-۱۹۰۱ میلادی)

نظامی و سیاستمدار کوبایی بود. او تا پیش از به دست آوردن مقام ریاست جمهوری، در چند کودتا علیه دولت‌های قانونی کوبا، نقش مستقیم داشت. باتیستا پس از رسیدن به ریاست جمهوری، به دیکتاتوری تمام عیار تبدیل شد. او به شدت وابسته به کمک‌ها و حمایت‌های آمریکا بود. سرانجام رژیم باتیستا در سال ۱۹۵۹ م و در پی انقلاب مردم کوبا به رهبری فیدل کاسترو سقوط کرد.

گزارش تاریخی

●●●

خاطره منتشر نشده آیت ا... موسوی اردبیلی از ملاقات با سولیوان

مرتضی میردار، معاون تاریخ شفاهی مرکز اسناد انقلاب اسلامی، طی یادداشتی که در پایگاه مرکز اسناد انقلاب اسلامی منتشر شد، بخشی از خاطرات منتشر نشده آیت‌ا... موسوی اردبیلی را به رشته تحریر درآورد که مشروح آن در پی می آید. آیت‌ا... سید عبدالکریم موسوی اردبیلی در زمره شخصیت‌هایی است که در پیدایش، استقرار و استمرار نظام ولایی جمهوری اسلامی نقش کلیدی داشته و در روزهای مبارزه با رژیم پهلوی، همگام با حضرت امام(ره) و مردم، قدم به میدان مبارزه گذاشته است. وی که با هجرت به تهران و تاسیس کانون توحید، ندای توحید و وارستگی را در گوش نسل نو و انقلابی واگویه کرده بود، طی سالیان حضور در تهران، با هدایت و راهنمایی امام عظیم‌الشأن و همکاری سایر پیشتازان انقلاب اسلامی، توانست روحانیت و سایر نهادهای دینی واجتماعی را در خدمت مبارزه درآورد که نماد این وحدت و انسجام را می‌توان در اطلاعیه جامعه روحانیت تهران در خلع محمدرضا پهلوی از سلطنت مشاهده کرد. پس از پیروزی انقلاب اسلامی نیز، آن مرحوم توانست در سنگر نظارت و عدالت، بدخواهان و بداندیشان انقلاب را به سزای اعمالشان برساند و آنگاه که انقلاب اسلامی به تثبیت و استقرار رسید، به قم و خاستگاه اولیه مرجعیت رجعت کرد و در زمره مراجع تقلید درآمد و همواره، پاسبان و نگهبان اندیشه ماندگار ولایت فقیه بود. با توجه به نقشی که وی قبل و بعد از پیروزی انقلاب اسلامی داشته است، خاطرات او می‌تواند کلید بخشی از گنجینه اسرار انقلاب باشد. یکی از خاطرات آیت‌ا... موسوی اردبیلی مربوط به دیدار وی با "ویلیام هیلی سولیوان"، آخرین سفیر آمریکا در ایران است. این دیدار مربوط به روزهایی است که محمدرضا پهلوی از کشور گریخته و دولت بختیار با حمایت آمریکا روی کار آمده بود. محتوای بحث جلسه، هم توسط سولیوان و هم توسط بازرگان نقل شده است که بنا بر اظهارات آیت‌ا... موسوی اردبیلی، هر دو شخص، محتوای بحث در جلسه و نحوه و هدف تشکیل جلسه را تحریف کرده‌اند. سولیوان در خاطرات خود درباره این دیدار این گونه نوشته است: «عصر یک روز در خانه یکی از پیروان بازرگان، در شمال شهر، وقت ملاقات تعیین شد. من به اتفاق یکی از اعضای قسمت سیاسی سفارت برای ملاقات رفتیم. پنج مامور امنیتی و پلیس هم طبق معمول، در جلو و عقب خودروی من حرکت می کردند و رفتن من به این خانه ناآشنا، طبعاً حس کنجکاوی آنها و مرا برانگیخت. وقتی که وارد خانه شدیم، غیر از بازرگان، آیت‌ا... موسوی اردبیلی را هم در این خانه دیدیم که با عمامه سیاه و ریش خاکستری‌اش، در نظر اول، شباهت زیادی به آیت‌ا... خمینی داشت. ما چهار نفر [بازرگان، آیت‌ا... موسوی اردبیلی، سولیوان و یکی از اعضای قسمت سیاسی سفارت آمریکا] در یک اتاق نشیمن کوچک که پنجره‌ای رو به حیاط داشت، نشستیم و شروع به صحبت کردیم. مذاکرات ما در مجموع جالب توجه بود. بازرگان و من به زبان فرانسه صحبت می کردیم و بازرگان، جان کلام را به زبان فارسی مؤدبانه برای آیت‌ا... ترجمه می کرد و او بیشتر گوش می‌داد و کمتر سخن می گفت. بازرگان خلاصه‌ای از مذاکرات قبلی بین افراد او و ماموران سیاسی سفارت را برای من تکرار کرد و گفت که آنها هم علاقه‌مندند نیروهای مسلح دست نخورده باقی بمانند و با حکومت آینده همکاری کنند. آنها لیستی از فرماندهان و افسران ارشد تهیه کرده بودند و می گفتند این عده می‌توانند اموالشان را بردارند و از کشور خارج شوند و در این صورت، از مجازات مصون خواهند بود. آنها خواهان ادامه همکاری نظامی و امنیتی با آمریکا بودند.» سولیوان ادامه می دهد: «بازرگان می گفت که او از طرف نهضت آزادی ایران صحبت می کند [این در حالی است که بر اساس خاطرات آیت‌ا... موسوی اردبیلی که در ادامه خواهد آمد قرار بر این بود که بازرگان هیچ دخالتی در بحث نکند و فقط به عنوان مترجم در آن دیدار حضور داشته باشد] و آیت‌ا... موسوی اردبیلی نماینده عناصر مذهبی انقلاب است. متاسفانه آیت‌ا... موسوی با اینکه جریان مذاکرات را بادقت و علاقه تعقیب می کرد سخنان بازرگان و اظهار نظرهای او را به طور صریح و آن طور که من انتظار داشتم، تایید نمی کرد.» آنچنان که در فوق آمد، سولیوان در خاطراتش تنها به گوشه‌ای از مکالمات افراد حاضر در این جلسه اشاره می کند، اما آیت‌ا... موسوی اردبیلی در خاطرات خود که توسط "مرکز اسناد انقلاب اسلامی" در مردادماه ۱۳۶۴ ثبت و ضبط شده است، به‌طور کامل، هر آنچه را در این دیدار رخ داد روایت می کند. آنچه در زیر می‌خوانید روایت آیت‌ا... موسوی اردبیلی از این دیدار است: «وقتی انقلاب اوج گرفت، از طرف جریانات مختلف، پیشنهاد ملاقات با شورای انقلاب می‌آمد. قرار بر این بود هر پیشنهادی که می‌آمد، اول با امام(ره) هماهنگ شود. اگر هم با ملاقاتی موافقت می‌شد، با شرط بود و بدون شروط هیچ ملاقاتی انجام نمی گرفت. مثلا بروید ببینید چه می گویند، قولی ندهید و شرطی قبول نکنید. یکی از این دیدارها، ملاقات با سولیوان بود. شورای انقلاب گفتند [که] موسوی اردبیلی [در جلسه] باشد. گفتم من زبان نمی دانم و به مترجمی که حرف من را ترجمه می کند هم اعتمادی نمی توانم داشته باشم. نهایتاً، قرار شد مهندس بازرگان به عنوان مترجم در ملاقات باشد. من در همان جلسه مطرح کردم [که] آقای بازرگان به مترجم بودن قناعت نمی کند، خودش هم مستقلاً دخالت می کند و من نمی‌دانم ایشان چه می گوید. در جلسه قرار شد مهندس بازرگان چیزی اضافه بر حرف‌های من نگوید. با این شرط، به دیدار سولیوان در منزل پسر آقای سحابی رفتیم. حرف سولیوان این بود که ملت ایران چه می خواهد؟ شورای انقلاب چه می خواهد؟ ما گفتیم شورای انقلاب، پیاده شدن اسلام را می خواهد و نقطه شروعش هم رفتن رژیم پهلوی است. سولیوان پاسخی به این مضمون داد که تغییر رژیم به این آسانی ممکن نیست و دوم اینکه، اگر شاه برود شما خواسته‌تان انجام می شود؟ ما گفتیم خواسته ما نیست، بلکه خواست مردم است و مردم به جز تغییر رژیم، به چیز دیگری قانع نمی‌شوند و این باید بشود. مطلب دیگر سولیوان این بود. بعد از اینکه دید من این جور محکم حرف می‌زنم، گفت شما قانون اساسی دارید، قانون اساسی‌تان را می خواهید چه کنید؟ گفتیم این قانون اساسی ۷۰ سال پیش نوشته شده و مردم آمدند رای دادند و مشروعیت قانون اساسی با آرای مردم است. حالا یک جمعیت میلیونی آمده‌اند و می گویند ما این قانون اساسی را قبول نداریم. این قانون چیزی نیست که مشروعیتش از آن جدا نشود. با رأی مردم می‌آید و با رأی مردم هم می‌رود. مردم، فعلاً به این قانون رأی نمی دهند و این قانون مشروعیت ندارد. مگر بعضی موارد‌ش ممکن است مشروعیت داشته باشد. به شرط این که مردم رأی بدهند. سولیوان پاسخ داد شما رای گیری نکردید. گفتیم ما بارها رأی گیری کرده‌ایم. همین افرادی که به صورت میلیونی در خیابان ها می‌ریزند، این رای مردم است؛ نه یک بار نه دوبار. اگر این رای مردم نیست، پس چیست؟ سولیوان گفت رأی گیری این جور نمی‌شود. رای گیری باید بیاید توی صندوق و مردم رأی‌شان را توی صندوق بریزند و بعد بشمارند. در پاسخ گفتم ما هر دو مدل رای گیری را قبول داریم. شما اگر خواستید یک وقتی در کشور خودتان رأی گیری کنید، آن جور رأی گیری راه بیندازید. ما این حضور میلیونی مردم را نیز، رای گیری می‌دانیم. ما برای شما قانون نمی‌نویسیم، ما برای خودمان این کار را می کنیم و ما این را قبول داریم. خود مردم نیز این را قبول دارند. سولیوان مجددا گفت: ارتش قبول نمی کند. اگر ارتش قبول نکند چه؟ روح حرفش تهدید بود و می خواست تهدید کند. از دو راه سیاسی و راه نظامی در جواب سولیوان پاسخ دادیم. شاه سه پایه باید داشته باشد؛ پایه اصلی‌اش که مردم هستند را از دست داده [و] ارتش هم انسجامش را از دست داده است. دیگر ما ارتش منسجم در ایران نداریم. ارتشی که در فرمان شاه باشد، وجود ندارد. ارتش قبل از آنکه به فرمان شاه گوش دهد، به فرمان مذهبش گوش می دهد. اگر ارتش چنین شد، نیروهای خارجی هم با ارتشی که پشتوانه مردمی نداشته باشد، کاری نخواهند داشت. سولیوان در اینجا به من گفت: آن طوری که شما فکر می کنید، ارتش انسجامش را از دست نداده است. ما هم بنا نداشتیم با ایشان بحث دو نفری داشته باشیم. می خواستیم فقط نظرشان را بدانیم یا آن مقدار که صلاح است، خواسته‌هایمان را منتقل کنیم. ما در پاسخ سولیوان خیلی قرص و محکم گفتیم: این برداشت شماست. برداشت ما این است که ارتش انسجامش را از دست داده است. آخرین مسئله‌ای که سولیوان مطرح کرد، گفت: شما را باید در دنیا به رسمیت بشناسند، شما اگر این مسیر را بروید، دنیا شما را به رسمیت نمی‌شناسد. گفتیم: ما هیچ نیازی نداریم کسی ما را به رسمیت بشناسد یا نشناسد. این اراده مردم است که کارها را به جلو می‌برد. وقتی دنیا دید مردم پای نظام ایستاده‌اند، مجبورند به رسمیت بشناسند. بنابراین، مسئله به رسمیت شناختن چیز مهمی برای انقلاب ما نیست. مطالبی که در ملاقات با سولیوان مطرح شد همین‌ها بود. ما فرصت چانه زدن نداشتیم. غرض از این ملاقات، این بود که ما می خواستیم بدانیم آمریکایی ها چه می گویند و آنها هم می خواستند بدانند ما چه می گوییم. مجموعه این مذاکرات را به جلسات شورای انقلاب گزارش دادم. متأسفانه، این مطلب در نوشته‌های نهضت آزادی تحریف شد و در یک دیداری که آقای دکتر یزدی با من داشت، به او اعتراض کردم.

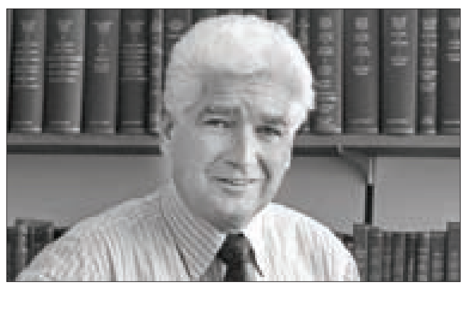

مردانی که آمریکای لاتین را تغییر دادند

جواد نوائیان رودسری
info@khorasannews.com

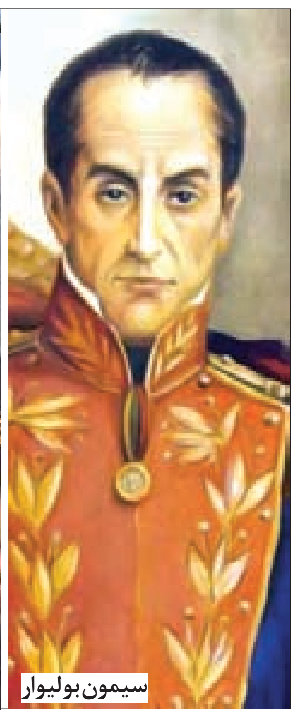
سیمون بولیوار

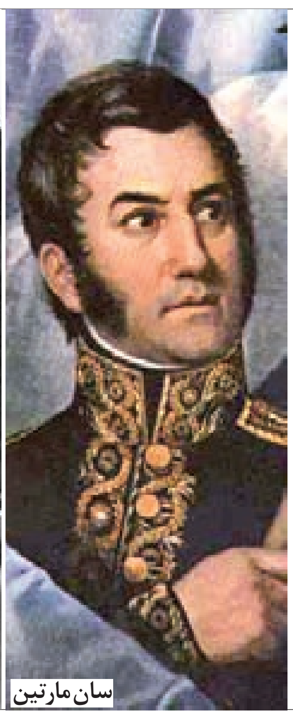
سان مارتین

چگوارا

فیدل کاسترو

هوگو چاوز

وجه تسمیه «آمریکای لاتین» را، استفاده از زبان‌های شاخه «رومن» در این بخش از قاره آمریکا دانسته‌اند؛ سرزمین‌هایی که از مرزهای ایالات متحده تا جنوبی‌ترین نقطه شیلی امتداد دارند و تقریباً، از فرهنگی یکسان، با پیشینه‌ای مشترک برخوردارند. تا ابتدای قرن ۱۹ میلادی، تمام آمریکای لاتین، به استثنای برزیل، مستعمره اسپانیا بود. برزیل نیز، بخشی از مستملکات پادشاهی پرتغال محسوب می‌شد، اما با دست به دست شدن حاکمیت در این کشور، میان شاهزاده‌های پرتغالی و اسپانیایی، تابعیت این بخش از آمریکای لاتین نیز تغییر می کرد. بر این اساس، زبان رسمی ساکنان برزیل، بر خلاف سایر مناطق آمریکای لاتین که به اسپانیایی سخن می گویند، پرتغالی است. موضوع استقلال طلبی مردم این بخش از قاره آمریکا، به دوران حاکمیت ناپلئون بر فرانسه و حمله جسورانه وی به شبه جزیره «ایبری» باز می گردد. زمانی که هر دو پادشاهی اسپانیا و پرتغال، دست نشانده امپراتوری فرانسه شدند، اتباع این دو پادشاهی در مناطق ماورای بحار، به فکر استقلال افتادند. به این ترتیب، دوران تاریخی خاصی در این منطقه از جهان رقم خورد و مردانی به میدان مبارزه وارد شدند که هدفشان، استقلال و ارتقای شرایط اقتصادی، فرهنگی، سیاسی و اجتماعی آمریکای لاتین بود. این مبارزات، هرچند مدتی بعد، با استقلال کشورهای آمریکای لاتین به پیروزی رسید، اما قدرت جدیدی به نام ایالات متحده، مانع تحقق اهداف مورد نظر مردم این منطقه شد. آمریکایی ها، با طراحی و اجرای اصل «مونرو»، آمریکای لاتین را حیاط خلوت خود اعلام کردند. این ادعا، نقطه آغاز دست اندازی به منافع و اراضی مردم آمریکای جنوبی و مرکزی بود. ایالات متحده، مدتی بعد از اعلام این اصل، بخش‌های وسیعی از شمال مکزیک و از جمله، منطقه کالیفرنیا و شهرهای «لس آنجلس» و «سان فرانسیسکو» را، از این کشور جدا کرد. آمریکایی ها، سپس به استعمار کشورهای آمریکای لاتین و غارت منابع مادی و معنوی آنها پرداختند. این اقدامات که به مثابه بازگشت استعمار به این منطقه از قاره آمریکا بود، با مقاومت جدی مردم، در قرن بیستم، روبه‌رو شد. دوباره، مردانی که در پی بازگرداندن استقلال به سرزمین هایشان بودند، به میدان آمدند؛ مردانی که در صف اول مبارزه با امپریالیسم قرار داشتند. در ادامه، به معرفی برخی از شخصیت‌های مؤثر در تاریخ آمریکای لاتین می‌پردازیم؛ شخصیت‌هایی که به واقع، آمریکای لاتین را تغییر دادند.

■ سیمون بولیوار

«سیمون بولیوار» در ۲۴ ژوئیه سال ۱۷۸۳ میلادی (۲ شهریورماه ۱۱۶۲ هـ.ش)، در شهر «کاراکاس»، جایی که امروزه پایتخت کشور ونزوئلاست، متولد شد. خانواده بولیوار، از اشراف و وابستگان به دربار اسپانیا بود. باوجود این که او، پدر و مادرش را در کودکی از دست داد، اما تحت نظر عمویش تربیت شد و در اروپا تحصیل کرد. بولیوار در زمان تحصیل در اروپا، با عقاید متفکران فرانسوی و رهبران انقلاب کبیر فرانسه آشنا شد و آرمان‌های دموکراتیک رایج آن روزهای اروپا، او را به شدت تحت تأثیر قرار داد. با آغاز مبارزات استقلال طلبانه مردم ونزوئلا علیه استعمار اسپانیا، بولیوار به جمع مبارزان پیوست. او مدتی بعد به فرماندهی نیروهای مبارز رسید و توانست اسپانیایی ها را تا ژوئن سال ۱۸۲۱ میلادی (تیرماه ۱۲۰۰ هـ.ش)، از سراسر خاک ونزوئلا بیرون کند. این پیروزی، سیمون بولیوار را به پیگیری مبارزات استقلال طلبانه‌اش در سایر مناطق آمریکای لاتین ترغیب کرد. اقدامات او، باعث رهایی سرزمین‌های کلمبیا، اکوادور، پرو، بولیوی و پاناما، از یوغ استعمار اسپانیا شد. بولیوار، مدتی ریاست جمهوری کشور «جمهوری بزرگ کلمبیا»، متشکل از کشورهای ونزوئلا، کلمبیا و اکوادور را برعهده داشت. از او در تاریخ آمریکای لاتین، همواره با احترام یاد می‌شود. بولیوار در ۱۷ دسامبر سال ۱۸۳۰ میلادی (۲۶ آذر ۱۲۰۹ هـ.ش) به دلیل ابتلا به بیماری سل، در ۴۷ سالگی، در شهر «سانتامارتا» کلمبیا درگذشت.

■ خوزه دسان مارتین

«خوزه دسان مارتین»، در ۲۵ فوریه سال ۱۷۷۸ میلادی (۷ اسفندماه سال ۱۱۵۶ هـ.ش) در شهر بوئنوس آیرس، پایتخت فعلی آرژانتین، متولد شد. سان مارتین، رهبر و قهرمان استقلال آرژانتین است و مردم این کشور، همواره از او با احترام یاد می کنند. سان مارتین در خانواده‌ای ثروتمند متولد شد و توانست در جوانی، برای ادامه تحصیل، به دانشکده نظامی مادرید برود. او در زمان حمله ناپلئون به شبه جزیره ایبری، به ارتش اسپانیا پیوست، اما با شکست اسپانیایی ها، ناچار به ترک این کشور و بازگشت به زادگاهش شد. سان مارتین پس از بازگشت به بوئنوس آیرس، طرح قیام برای آزادی «استان‌های متحد آمریکای جنوبی» را که بعدها به آرژانتین معروف شد، ریخت. با هدایت و رهبری او، ارتش مردمی آرژانتین سازماندهی شد. سان مارتین به سبب پیروزی‌های پیاپی بر استعمارگران اسپانیایی، به «سپهسالار کامیاب» شهرت یافت. او در آزادی سایر سرزمین‌های آمریکای جنوبی نیز، نقش مهمی ایفا کرد. برخی از مورخان، طرح حمله نظامی سان مارتین به لیما، پایتخت فعلی پرو را که با هماهنگی و همراهی بولیوار انجام شد، یکی از جسورانه‌ترین لشکرکشی‌های تاریخ می‌دانند. سان مارتین در سال ۱۸۲۲ میلادی (۱۲۰۱ هـ.ش)، دیداری با سیمون بولیوار داشت. دو سال پس از این دیدار که جزئیات آن هیچ گاه منتشر نشد، سان مارتین از تمام مناصب سیاسی و نظامی خود استعفا داد و به فرانسه مهاجرت کرد. او در ۱۷ اوت ۱۸۵۰ میلادی (۲۶ مردادماه ۱۲۲۹ هـ.ش) در پاریس درگذشت. عالی‌ترین نشان حکومتی کشور آرژانتین، به احترام این سپهسالار نامدار و رهبر آزادیخواهان آمریکای جنوبی، «سان مارتین» نام گرفته است.

■ ارنستو چگوارا

ارنستو چگوارا، انقلابی مشهور آمریکای لاتین، در ۱۴ ژوئن ۱۹۲۸ میلادی (۱۴ خرداد ۱۳۰۷ هـ.ش) در شهر روزاریو واقع در کشور آرژانتین، متولد شد. خانواده پدری چگوارا، اصالتاً از ایرلندی‌های مهاجر به آمریکای جنوبی بودند. جد مادری‌اش، «خوزه دلاسرنا»، آخرین فرماندار اسپانیا در پرو بود. او در خانواده‌ای بسیار متمول پرورش پیدا کرد. چگوارا از کودکی به مطالعه علاقه فراوانی داشت و کتابخانه بزرگ پدرش، این امکان را برای او فراهم کرد که با آثار نویسندگان بزرگ و همچنین، اندیشه‌های مختلف سیاسی و اجتماعی، بیش از همسن و سالان خود، آشنا شود. چگوارا در رشته پزشکی تحصیل کرد، اما بعدها، به دلیل مشغولیت‌های مبارزاتی، کمتر به پزشکی اشتغال داشت. او در سنین جوانی، بیشتر سرزمین‌های آمریکای لاتین را با موتورسیکلت پیمود و از نزدیک با مشکلات مردم این منطقه، آشنا شد. چگوارا از مخالفان سرسخت سیاست‌های امپریالیستی ایالات متحده در آمریکای لاتین بود. اعتقاد او به امپریالیست بودن آمریکا، پس از ساقط شدن دولت «خاکوبو آربنز» در گواتمالا، راسخ‌تر شد. چگوارا در زمره افرادی بود که به شدت از طرح اصلاحات ارضی دولت گواتمالا برای کوتاه کردن دست سرمایه‌داران آمریکایی از منابع این کشور، حمایت می کردند. او پس از خروج از گواتمالا، با «رائول کاسترو» آشنا شد و این آشنایی، مقدمه‌ای برای دوستی با «فیدل کاسترو» بود. کاسترو و دوستانش در صدد ساقط کردن دولت غربگرای «باتیستا» در کوبا بودند. کاسترو یک بار به دلیل قیام علیه «باتیستا»، طعم زندان را چشیده بود. او به همراه چگوارا، نقشه‌ای برای حمله نظامی در کوبا طراحی کرد؛ اقدامی که با حمایت همه جانبه مردم به نتیجه رسید و دولتی را در کوبا ایجاد کرد که ۶ دهه است در برابر سیاست‌های استعماری آمریکا مقاومت می کند. چگوارا بعد از استقرار دولت مردمی کوبا، به مقام‌های مختلفی منصوب شد. او مدتی ریاست بانک مرکزی این کشور را برعهده داشت و چندی، وزیر صنایع کوبا بود. با این حال، چگوارا که خود را یک پارتیزان می‌دانست، حاضر نشد در مسئولیت‌های اجرایی و اداری دولتی محدود شود. او در سال ۱۹۶۵ م (۱۳۴۴ هـ.ش) به کنگو رفت تا تجارب مبارزاتی خود را در اختیار مبارزان این کشور بگذارد. مدتی بعد، چگوارا، به عنوان یک نظریه پرداز و متخصص جنگ‌های چریکی، راهی بولیوی شد تا جنبش مردم این کشور علیه ایالات متحده را سازماندهی کند، اما این، آخرین سفر او بود. سیا، با برنامه‌ریزی قبلی و به کار گرفتن عوامل خود در بولیوی، چگوارا و دوستانش را در روستای «لایگرا» محاصره کرد. مهاجمان موفق شدند چگوارا را زنده دستگیر کنند. به دستور سیا، «ماریو تران»، یک سرباز بولیویایی، در ۹ اکتبر ۱۹۶۷ میلادی (۱۷ مهر ۱۳۴۶ هـ.ش)، به زندگی چگوارا، با شلیک گلوله، خاتمه داد.

■ هوگو چاوز

«هوگو چاوز» با نام کامل «هوگو رافائل چاوز فریاز»، در ۲۸ ژوئیه ۱۹۵۴ میلادی (۶ مرداد ۱۳۳۳ هـ.ش) در منطقه روستایی «سابانتا»، واقع در کشور ونزوئلا متولد شد. چاوز در ۱۶ سالگی وارد ارتش ونزوئلا شد و خیلی زود توانست مدارج ترقی را طی کند و در سنین جوانی، به مقام سرهنگی برسد. نام او، نخستین بار در سال ۱۹۹۲ میلادی (۱۳۷۱ هـ.ش) بر سر زبان‌ها افتاد. چاوز در این سال، رهبری قیامی علیه حکومت وابسته به آمریکا در ونزوئلا را برعهده داشت. حمایت او از طبقات فرودست جامعه، به سرعت چاوز را به شخصیت محبوب بیشتر مردم کشورش تبدیل کرد. باوجود شکست قیامی که او رهبری آن را برعهده داشت، چند سال بعد و پس از ایجاد فضای باز سیاسی در ونزوئلا، در انتخابات ریاست جمهوری این کشور شرکت کرد و با کسب اکثریت قاطع آرا، به این مقام دست یافت. چاوز در دوران ریاست جمهوری، به مبارزه با نفوذ ایالات متحده در صنایع و اقتصاد کشورش پرداخت. او مدافع جنبش‌های آزادیخواهانه در سراسر دنیا بود و از مبارزات مردم فلسطین به شدت حمایت می کرد. مشی ضد امپریالیستی چاوز خیلی زود او را به یکی از دوستان نزدیک جمهوری اسلامی ایران تبدیل کرد و در دوران او، روابط ونزوئلا با ایران به بالاترین سطح ممکن رسید. اقدامات چاوز باعث شد سیا، برنامه ترور و حذف فیزیکی او را در دستور کار قرار دهد. چاوز در ۱۵ اسفندماه سال ۱۳۹۱، بر اثر بیماری سرطان درگذشت. برخی از کارشناسان، فوت او بر اثر سرطان را ناشی از ترور بیولوژیک توسط سیا می‌دانند.

■ فیدل کاسترو

«فیدل کاسترو» با نام کامل «فیدل آلخاندرو کاسترو روث»، روز ۱۳ اوت ۱۹۲۶ میلادی (۲۱ مرداد ۱۳۰۵ هـ.ش)، در شهر «بیران»، واقع در ایالت «اولگین» کوبا، متولد شد. خانواده او از زمین‌داران بزرگ کوبا بودند. به همین دلیل، فیدل کاسترو تحصیلات خود را در بهترین مدارس کوبا گذراند و موفق شد در رشته حقوق از دانشگاه هاوانا فارغ‌التحصیل شود. او در دوران جوانی به حزب «مردم کوبا» پیوست و کوشید در انقلاب مردم دومینیکن علیه حکومت وابسته به آمریکا شرکت کند، اما موفق به این کار نشد. کاسترو بعدها به مبارزه با حکومت وابسته کوبا پرداخت. او یک بار توسط مأموران «باتیستا»، دیکتاتور کوبا، بازداشت شد؛ اما پس از رهایی از زندان، دوباره مبارزات انقلابی خود را پی گرفت و توانست با همکاری مردم و مبارزانی مانند ارنستو چگوارا، در سال ۱۹۵۹ م (۱۳۳۸ هـ.ش)، رژیم «باتیستا» را سرنگون کند و حکومت این کشور را به دست بگیرد. کاسترو، تا زمان درگذشت، عنوان «رهبر کوبا» را داشت. به تعبیر یکی از مورخان، «وی در دوران زندگی خود، طولانی‌ترین مبارزه همه جانبه را با امپریالیسم آمریکا سازماندهی کرد.» سیا بارها سعی کرد کاسترو را با ترور از میان بردارد، اما هیچ گاه در این زمینه موفق نشد. مأموران آمریکایی، طی ۶ دهه حاکمیت کاسترو، بیش از ۶۰۰ طرح و نقشه برای ترور وی تدارک دیدند، اما موفق به اجرای هیچ کدام از آنها نشدند. کاسترو، در اواخر عمر از مسئولیت‌های سیاسی کناره گرفت. او، سرانجام، در ۲۵ نوامبر ۲۰۱۶ میلادی (۵ آذرماه سال ۱۳۹۵ هـ.ش)، در ۹۰ سالگی، درگذشت.

نوبت دوم
آگهی ارزیابی کیفی
دستگاه مناقصه گزار : وزارت بهداشت درمان و آموزش پزشکی
موضوع : ارزیابی کیفی مناقصه بررسی پرونده های بیمه ای مصدومین ترافیکی
مهلت دریافت اسناد ارزیابی : از تاریخ ۱۳۹۵/۹/۱۳ لغایت ۱۳۹۵/۹/۱۶
مدارک مورد نیاز جهت دریافت اسناد : معرفی نامه کتبی شرکت متقاضی
مهلت ارسال پیشنهاد : تا پایان وقت اداری روزچهارشنبه مورخ ۱۳۹۵/۱۰/۱
محل دریافت اسناد : دبیرخانه مرکزی وزارت بهداشت واقع در شهرک قدس (غرب)– بلوار ایوانک شرقی، بین خیابان فلامک و زرافشان، ساختمان ستاد مرکزی، بلوک C – طبقه همکف
لطفا برای کسب اطلاعات بیشتر به پایگاه ملی اطلاع‌رسانی مناقصات به نشانی http://iets.mporg.ir مراجعه نمایید.
م‌الف/۲۴۵۳
تاریخ انتشار نوبت اول: ۹۵/۰۹/۱۳
تاریخ انتشار نوبت دوم: ۹۵/۰۹/۱۴
اداره کل خدمات پشتیبانی و رفاهی
وزارت بهداشت و درمان و آموزش پزشکی
۹۵۲۶۹۳۱۸/ت

جناب آقای دکتر علی مختاری آزاد
فوق تخصص قلب و عروق
خدمات ارزنده و تلاش های انسان دوستانه شما را در معالجه و درمان بیماران ارج نهاده، سعادت و سلامتتان را آرزومندیم.
جمعی از شهروندان قوچانی
۹۵۲۶۸۸۵۲/ش

جناب دکتر محسن مدرسی
تولدزیباترین واهورایی ترین نازنین زندگیتان را تبریک میگوییم.
نجی–سیدرضوی–اسحاقی
۹۵۲۶۶۹۰۱/ق

حرف هایتان را با ما به گوش مسئولان برسانید
تلگرام: [illegible]
شماره پیامک 2000999
ستون «حرف مردم» روزنامه خراسان انعکاس دهنده صادق دیدگاه ها، نظرات، انتقادات و مشکلات شما است.
ستون حرف مردم سلام
لطفا به مسئولان بگویید که...

صرفه‌جویی در وقت و هزینه
سفارش ۲۴ ساعته
پرداخت آنلاین
سفارش اینترنتی آگهی
www.37010.ir
۹۵۲۶۹۵۲۶/م